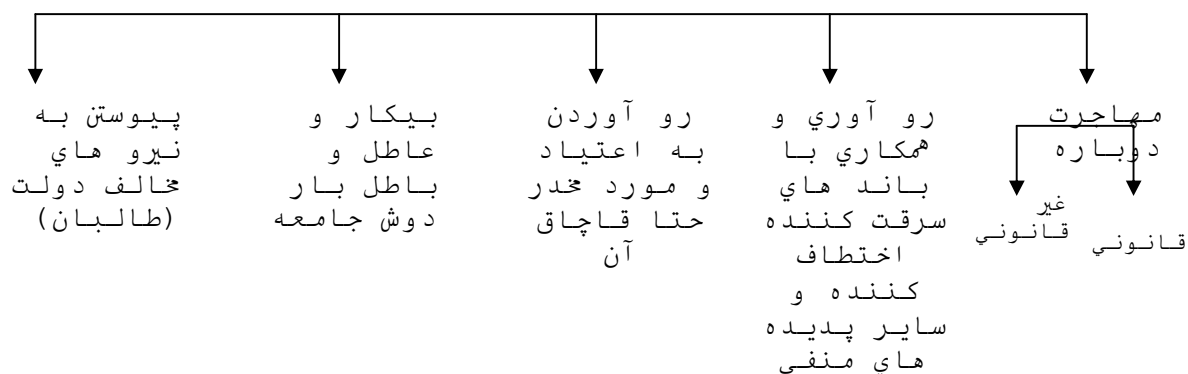


حکومت آقاي کرزي ناکام است چرا؟

ادامه ي قسمت اول:

31- عدم توجه جدي به طرح يك پروگرام وسيع مواظبت از جوانان و گماشتن آنها به وظائف، نداشتن ابتکار ارکان دولتي براي دريافت فرصت هاي کاري به جوانان و استفاده از نيرو هاي آنها در امر نوسازي و بازسازي کشور که اکثريت آنها با کسب تجارب زياد از خارج به کشور عودت نموده اند که در نتيجه عدم مواظبت دولت آنها به چند گروپ ذيل تقسيم شدند:



32- ناکامي عرصه ي سياست کادري که جز اساسي سياست داخلي است در تمام سطوح مملکت ملموس است که در اینجا تنها از وزارت امور داخله یاد آوري مي کنيم بخاطر انجام ريفورم در وزارت امور داخله 117 پست رهبري و کلیدی در معرض رقابت و امتحان گذاشته شد و مي بایست افرادی درین پست ها گماشته مي شدند که از آزمون مؤفق بدر مي آمدند. ولي تجربه ي عملي و عيني نشان داد که اعلام رقابت يك اصل پرداخته شده تخيلي بوده و براي فریب اذهان عامه درغیر آن حالا همه با يك بازنگري واقعي مي بينيم که نتيجه ي

این به اصطلاح ریفورم یا امتحان چیزی جز نصب کادر های غیر مسلکی، بیسواد، D.D.R شده ی وزارت دفاع، تعدیل رتبه شده های تنظیمی و روابط دار با رهبری وزارت داخله چیزی دیگر نیست. اما آنده از جنرالان و افسران که لیاقت استعداد کار رای و کاردانی داشتند و دارند و حتماً باید در پست های کلیدی یا رهبری گماشته می شدند از دریافت چنین امتیازی بنابر مصلحت های مختلف و مخالفت های شخصی دور ماندند. حتی کسانی را که وزارت داخله در همین امتحان به زعم خودش ناکام کشید بعداً دوباره و با استفاده از نفوذ های مختلف خلاف نورم و پرنسیب های پذیرفته شده ی کادری تقرر حاصل نمودند. در نتیجه مردم به وضاحت مشاهده کردند که اثرات منفی این گونه تقرر و نصب سلیقه یی غیر مسلکی و غیر حرفه یی ها بیسوادها در پست های کلیدی و رهبری پولیس چه گونه بوده است و ما آن را اختصاراً بر می شماریم: از تاریخ صدور حکم 84/8/22 رئیس دولت مبنی بر تقرر 31 نفر جنرال در پست های کلیدی وزارت داخله الی 14 جوزای 85 که در مرحله ی دوم 86 نفر جنرالی دیگر به وظیفه گماشته شدند و نام ریفورم بالای شان گذاشته تا کنون حوادثی در کشور رخ داده اند که حتا رئیس دفتر رئیس جمهور خود اعتراف کرده من خجالت می کشم از داشتن چنین پولیس و سخنگوی رئیس جمهور هم این عمل منفی را در وجود عدم رهبری سالم وزارت داخله تقبیح کرد.

الف: حادثه ی المناک 8 جوزا در کابل که اب روی پولیس را برد و پولیس حتا خودش گریز کرد. و بعداً با بیرحمی تمام تعداد زیادی از هموطنان ما را مورد حمله قرار دادند که ضربات آن در تمام ابعاد مخصوصاً اقتصادی و اجتماعی تا کنون بر مردم ما مستولی است.

ب: گسترش دامنه یی عملیاتی انتحاری و انفجار ها که طبق آمار پخش شده ی رسانه ها تعداد آن به بیش از 131 حادثه میرسد که از جمله بیشتر از ده حادثه یی آن کابل را تکان داد.

ج: تلفات سنگین مردم در ولسوالی ها و ولایات حینیکه پولیس میخواست عملیات نماید.

د: بروز حدود از هزار واقعه ی جنایی که برخی آنها بر می گردد حتا به منسوبین خود پولیس مثل فرار دختری از بغلان توسط قوماندان امنیه یی آن ولایت.

و- طبق امار خود شان در کشور اضافه از 151 مورد اختطاف صورت گرفته است اما این کمتر از آن است که ملت می داند.

هـ - سرقت های مسلحانه توسط افراد مشخص صورت می گیرد مثلاً طی همین سال پنج مرتبه دارایی بانک های داخل شهر کابل از نقاط قابل دید مثل مقابل وزارت امور خارجه و دیگر جاها به سرقت برده شده اند. و در يك موتر شارژدافیر یکی از کشور خارجی در شهرنو کابل جائیکه قبل برآن دارایی یکی از بانکهای خصوصی که در یکعراده موتر جابجا بود به سرقت رفته و دزدیده شد.

ن- نا رسایی پولیس در حفظ و نگهداری مکاتب و امنیت متعلمین و محصلین در پوهنتون و آموزشگاه های مرکز و ولایات این ها موارد و مثال هایی از هزاران نارسایی اند که دامنگیر پولیس است. نمیدانیم وزیر داخله به چی عنوان تا کنون استعفا نداده شاید او می گوید تنور گرم و هنوز فرصت نان پختن باقی است از دیگران گه یی هم نیست زیرا وقتی وزیر با بی سواد مسلکی اما با مصلحت سیاسی و تعهدی به این و آن دستگاه خارجی تکیه بر کرسی وزارت بزند زیر دستان نباید بالا تر از او فهمی داشته باشند تا او را ضربه نزنند. آیا وزیر صاحب میدانند که طی مدت زمان حضور شان در این پست پنجاه معلم و متعلم در کشور توسط مخالفین شهید شده، سه صد مکتب حریق گردیده که شاید صد مکتب هم ساخته نشده باشد، پنجمصد هزار شاگرد نسبت نداشتن امنیت مکاتب از دروس محروم اند به طور مثال مادران و خواهران هلمندی ما از نداشتن امنیت کامل و محروم بودن اولاد های شان از دروس شاکي بوده و تا پارلمان هم رسیده و با رئیس جمهور هم دیدند اما اثری بجا گذاشت. ترور اعضای شورای ولایتی، عصمت الله وکیل لغمان که قاتل او هم از نزد زندانیان فرار کرد قتل والی پکتیا با حمله ی انتحاری و اجرای عمل انتحاری دیگر در جنازه ی آن و ده ها موردیکه نتیجه ی ضعف سیاست کادری در وزارت داخله است.

33- در وزارت دفاع تسلط کامل تنظیمی و قومیت گرایی در آن وزارت و در نتیجه نسبت بی کفایت بودن رهبری وزارت که هم مسلکی نیستند و هم غیر وابسته نیستند تا کنون دست آوردی چشم گیری داشته باشند از آنها ندیده ایم جز امور تشریفاتی شاید وزیر دفاع شخصاً فرد مسلکی است اما آمیخته با تعصب که از تعیینات اخیرش در قرارگاه شخص اش (ریاست دفتر) این امر بخوبی هویدا است. لوی درستیز، برخی معاونین وزارت دفاع همه غیر مسلکی و کم سواد اند به استثنای چند جنرال محدود که شاید آنها نقشی در تغیر روند کاری ندارند در حالیکه افسران تحصیل کرده و مجرب همه حالا

کراچی وان اند و جای شان را بیسواد های تنظیمی گرفته اند.

و رهبری وزارت دفاع تا کنون از بازی که امریکا بآنها راه اندازی کرده که نه تسلیح می شوند و نه تجهیز نه طیاره یی دارند و نه قوای هوایی فقط آنها را با اکمالات در فروعات مصروف می سازند و موتر برای شان میدهند. هنوز هم در اغفال بسر می برند اردویی را که دیروز پاکستان و منطقه از آن میترسید و ازبین برده شد با اردوی ناکار امروز مقایسه کنید و ببینید به کجا رفته ایم و چه پرتگاهی انتظار سقوط ما را می کشد؟

34- تعصب کامل و قابل لمس مرز بندی های ملیتی بخصوص در عرصه ی تعیین کادر ها مثلاً در ریاست جمهوری رئیس دفتر رئیس جمهور جاویدلودین، رئیس اداره ی امور، وزیر و روابط پارلمانی فاروق وردک، رئیس قلم مخصوص (صالحی)، مشاور امنیتی زلی رسول و معاون شورای امنیت انجنیر ابراهیم، مشاور فرهنگی هیوادل وزیر ارشد هدایت امین ارسال همه و همه مربوط به یک قوم خاص است که همه کاره اند و آنها اند که تصمیم می گیرند که حتی ضرورت به تشکیل دو معاون رئیس هم نیست و روایات میسراند که روزی آقای خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری طنز گونه افاده داده بود که شاید ما هم روزی به عنوان معاون رئیس جمهور مورد سوال قرار گیریم در حالیکه ما فقط یک حضور تشریفاتی داریم نه اجرایی و کسی به ما صلاحیتی نمی دهد. این روایت است من شنیده ام.

35- به همین گونه در تمام وزارت خانه و ادارات دولتی نقایص فراوان دیده می شود همین حالا وزیر اطلاعات و فرهنگ مشاور وزارت و سخنگوی وزارت و برخی از معینان آن وزارت را از قوم خاص مقرر کرده است و وقتی می گویند او 80 نفر را از رادیو تلویزیون منفک کرد کسی نمی گوید که اینها چرا و به کدام مجوز توسط کدام مقام به کدام احکام مقرر شده بودند که حالا منفک شده اند در حالیکه این هم از همان خود نمایی های رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی بوده که کاره و نا کاره را بیشتر از یک قوم خاص در آن جا گماشته بود و آنها همه کاره بودند که بر دیگران حکم می راندند. اما کسی آنها را مقرر نکرده بودند.

36- کمرنگ بودن حضور زنان در کابینه اختلاف دیگری بین حرف و عمل آقای کرزی در سیاست داخلی و کادری اش است که به این قشر عظیم جامعه کوچکترین ارادتی ندارد.

نارسايي سياست داخلي آقاي كرزي را در آينده ها دنبال مي كنيم با توجه به وضع و موقعيت بد حكومت افغانستان در عرصه ي سياست خارجي با چالش هاي كه پاكستان فرا راه آن قرار داده است ناکامي هاي سياست خارجي را فردا بر مي گزينم .